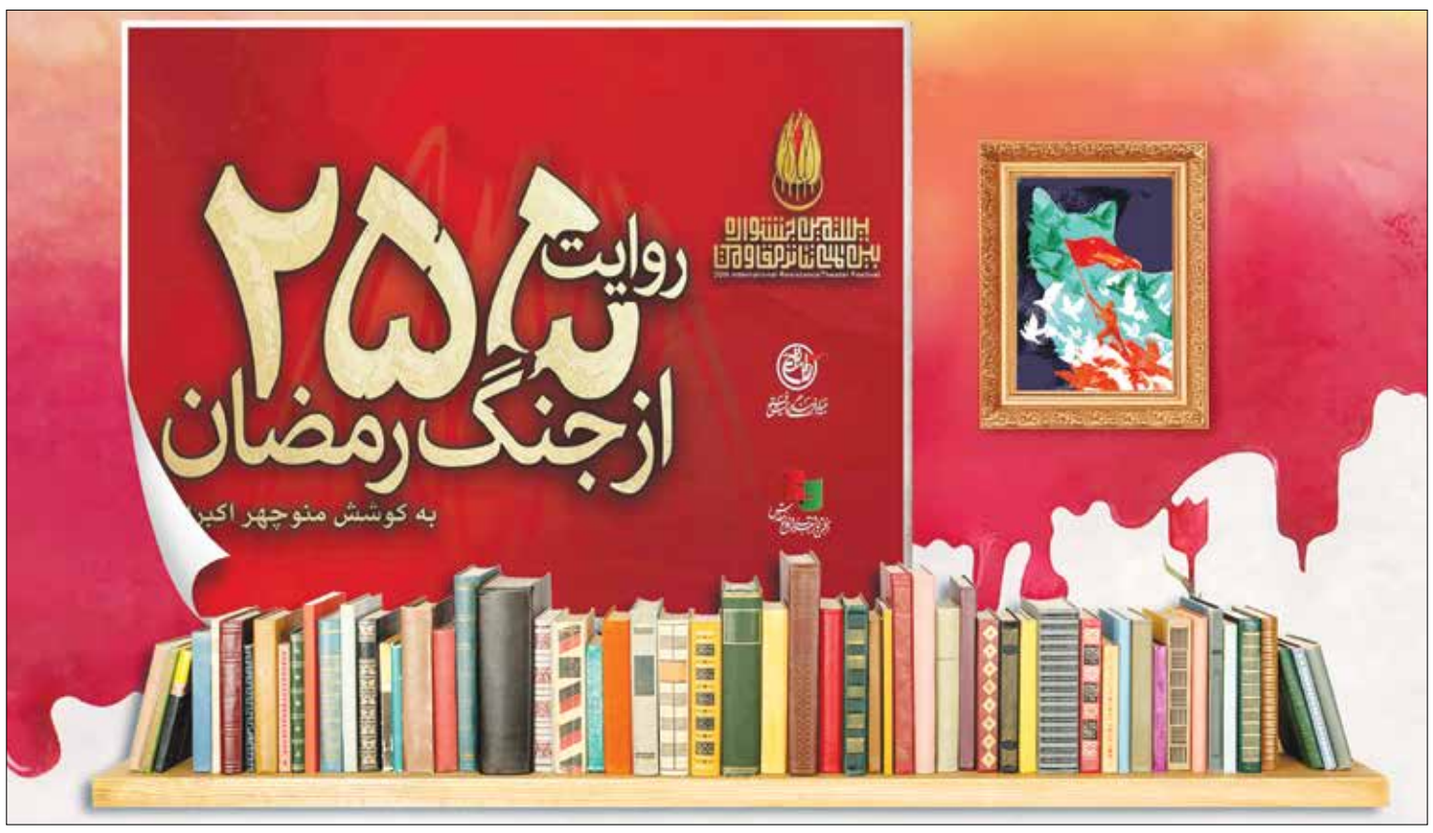
جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
یکشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۷۳۹۸

## اهدای «نشان استاد روح‌الله خالقی» به حسین علیزاده

چهارمین دوره «جایزه ملی آهنگسازی استاد روح‌الله خالقی» همزمان با زادروز حسین علیزاده با برگزاری یک مراسم افتتاحیه نمادین در منزل فرهاد فخرالدینی آهنگساز و رهبر ارکستر پیشکسوت آغاز شد. در این مراسم که با حضور جمعی از هنرمندان، اعضای ارکستر سازهای ایرانی خالقی و داوران جایزه برگزار شد، «نشان استاد روح‌الله خالقی» به حسین علیزاده اهدا شد. اجرای چند قطعه موسیقایی توسط ارکستر سازهای ایرانی خالقی هم بخش دیگری از این مراسم را تشکیل می‌داد. این در حالی است که در پایان مراسم از پوستر اصلی این رویداد رونمایی شد. علیزاده طی چند دهه فعالیت، از چهره‌های اثرگذار در آهنگسازی، نوازندگی، آموزش و گسترش نگاه‌های نو به موسیقی ایرانی بوده است. این نشان هر سال از سوی جایزه خالقی به یکی از اساتید و چهره‌های تأثیرگذار موسیقی ایران اهدا می‌شود و از سال‌ها فعالیت، آفرینش و آموزش آنان قدردانی می‌کند. در دوره‌های پیشین نیز این نشان به فرهاد فخرالدینی و محمدرضا فیاض اهدا شده بود. جایزه ملی آهنگسازی استاد روح‌الله خالقی به دبیری محمدرضا عزیزی و با هدف حمایت از آهنگسازان جوان، شناسایی استعدادهای تازه و فراهم کردن زمینه فعالیت حرفه‌ای در موسیقی ایرانی شکل گرفته است.






# جنگ و مقاومت با ۲۵۵ روایت

### به بهانه نگارش کتاب «۲۵۵ روایت از جنگ رمضان و مقاومت» با منوچهر اکبرلو، نویسنده آن گفت وگو کرده‌ایم



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

**کتاب «۲۵۵ روایت از جنگ رمضان و مقاومت» به‌همت بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت به‌کوشش منوچهر اکبرلو با همکاری انتشارات «روایت فتح» منتشر می‌شود. جنگ و مقاومت، مفاهیمی نیستند که بتوان آنها را تنها از دریچه روایت‌های رسمی یا از زبان چهره‌های شناخته‌شده نگاه کرد. گاهی برای فهم تاثیر یک واقعه تاریخی بر جامعه، باید سراغ زندگی آدم‌هایی رفت که در ظاهر قهرمانان یک روایت بزرگ نیستند اما جنگ به‌شکلی مستقیم یا غیرمستقیم، بخشی از زندگی، احساسات و نگاه آنها به جهان را تغییر داده است. کتاب «۲۵۵ روایت از جنگ رمضان و مقاومت» تلاشی برای ثبت همین تجربه‌های متنوع است؛ روایت‌هایی که از میان زندگی زنان و مردان، پزشکان، کارمندان، دانش‌آموزان، نظامیان، کادر درمان، فروشندگان و دیگر اقشار جامعه گردآوری شده‌اند. در این مجموعه، به‌جای ارائه روایت یکدست از جنگ، با ۲۵۵ زاویه دید متفاوت مواجهیم؛ روایت‌هایی واقعی از نگرانی، فقدان، مقاومت، سوگ، اعتماد به‌نفس و مواجهه انسان‌ها با بحرانی که زندگی روزمره‌شان را تحت تاثیر قرار داده است. همین تنوع، مرزهای مقاومت را گسترده‌تر می‌کند و آن را از یک مفهوم انتزاعی به تجربه‌ای ملموس تبدیل می‌کند. این کتاب فرصتی را فراهم کرد تا با منوچهر اکبرلو گفت‌وگو کنیم.**

**ایده اصلی تالیف «۲۵۵ روایت از جنگ رمضان و مقاومت» چطور شکل گرفت و چرا تصمیم گرفتید روایت‌های پراکنده را در قالب یک کتاب گردآوری کنید؟**

سال‌هاست در هیات انتخاب جشنواره‌ها یا مؤسسات آموزشی مختلف هستم و می‌بینم که نسل جوان با اتفاقات، رویدادها، شخصیت‌ها و جوانب مختلف جنگ آشنا نیستند و مطالعه ندارند و در نتیجه به تکرار الگوهای پیش از خود روی می‌آورند. بنابراین نتیجه این می‌شود که انبوهی نمایشنامه و فیلمنامه داریم که همه شخصیت‌ها و اتفاقات‌شان شبیه به‌هم هستند. ویژگی اصلی این جنگ، وقوع آن تنها در مرزها (مانند جنگ هشت‌ساله) نبود و شکل آن به‌گونه‌ای بود که تمام مردم با سنین و جنسیت‌ها و مشاغل مختلف درگیر آن شدند. در سال گذشته با شروع جنگ ۱۲ روزه به این فکر افتادم و پیشنهادش را با جشنواره فیلم مقاومت مطرح کردم که برای پرهیز از تکرار سوژه‌ها در نمایشنامه‌هایی که برای جشنواره ارسال یا تولید می‌شود، از رویدادها و تجربیات زیستی بکر مردم استفاده کنیم. بنابراین روایت‌های پراکنده فضای مجازی، سایت‌ها و برنامه‌های تلویزیونی را جمع و علاوه بر این فراخوانی به این منظور منتشر کردیم. نتیجه این تلاش‌ها جمع‌آوری چندصد خاطره بود و ملاک بعدی ما این بود که کدام یک ظرفیت تبدیل به درام یا نمایشنامه را دارند. توصیف‌ها و تکرارها را حذف و به این تعداد روایت رسیدیم که به همت جشنواره منتشر می‌شود. تلاش کردیم با این کار رسالت خودمان را به‌عنوان یک ایرانی در ثبت بخشی از هزاران اتفاقی که افتاده انجام دهیم و از طرف دیگر، با این روایت‌ها زمینه لازم برای خلق آثار هنری فراهم شود.

**در میان این ۲۵۵ روایت، چه ویژگی مشترکی وجود دارد که به نظر شما مفهوم «مقاومت» را برای مخاطب ملموس‌تر می‌کند؟**

ویژگی مشترک تمام این روایت‌ها این است که از زندگی افراد پیرامون ما مثل همکار، خواهر، برادر و همسایه‌های ما شکل گرفته‌اند و به همین دلیل مفهوم مقاومت را بسیار گسترده می‌کنند و شامل تک‌تک نقاط وطن و همه ۸۵ میلیون جمعیت ایران می‌شود. هرکدام از این‌ها به شکل خاصی از جنگ تاثیر پذیرفتند و روی زندگی و دیدگاه‌شان اثر گذاشته است. به همین تعداد روایت، شخصیت و مکان‌های مختلف وجود دارد اما وقتی اتفاقی در جامعه می‌افتد که مردم را درگیر می‌کند، همه به‌شکل ناخواسته با یکسری مفاهیم مشترک روبه‌رو می‌شوند و از این لحاظ به نوعی وحدت نظر می‌رسند.

**جنگ رمضان و مقاومت در این کتاب از چه زاویه‌ای روایت شده که آن را از روایت‌های معمول جنگ متمایز می‌کند؟**

در این مجموعه از ۲۵۵ زاویه به مقوله جنگ اخیر و مقاومت پرداخته شده است و شخصیت‌ها بسیار متنوع هستند. به عبارتی حتی شما دو نفر را پیدا نمی‌کنید که یک اتفاق برای‌شان در این کشور افتاده باشد اما نوع نگاه‌شان به موضوعاتی مثل نگرانی، مقاومت، جنگ، کشته‌شدن، فقدان، از دست‌دادن و غم بعد از آن یا حس اعتماد به‌نفس شبیه به‌هم باشد. چون هیچ یک از اینها از تخیل نویسنده نیست و از بطن رویدادهای واقعی و جامعه گرفته شده است. طبیعی است که زاویه دیدها بسیار متنوع است و از روایت‌های تکراری و رسمی جنگ فاصله دارد.



**در انتخاب روایت‌ها، چقدر تلاش کردید از کلیشه‌های رایج درباره جنگ و قهرمانان جنگ فاصله بگیرید و به تجربه‌های انسانی و شخصی افراد نزدیک شوید؟**

همین که اتفاقات این روایت‌ها واقعی است و به تعداد روایت‌ها آدم‌های مختلف از قبیل مرد، زن، دکتر و کارمند، دانش‌آموز، نظامی، کادر درمان و فروشندگان در آن نقش‌آفرین هستند، نشانه‌ای برای دوری‌گزینی از کلیشه است. در هیچ یک از این روایت‌ها با افراد مصاحبه نکردیم که درباره موضوعی معمول صحبت کنند. فقط اتفاقات را روایت کردیم و حتی نظر شخصی و تفسیرشان را حذف کردیم تا مقدمه یا موخره‌ای بر اتفاقات نداشته باشیم.

**مخاطب اصلی این کتاب را چه‌کسانی می‌دانید؟ آیا این روایت‌ها می‌تواند با نسل جوانی که تجربه مستقیمی از جنگ ندارد ارتباط برقرار کند؟**

هر مخاطبی که این کتاب را بخواند، شناخت دیگری از جنگ به دست می‌آورد اما مخاطبان هدفم داستان‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان بودند و در مقدمه به‌شکل مفصل توضیح دادم که چطور می‌توان از این روایت‌ها استفاده کرد. به‌طور معمول خاصیت رویارویی با خاطرات افراد و تجربه زیسته دیگران این است که به ما نشان می‌دهد آدم‌ها در مواجهه با جنگ، زندگی، مقاومت و عشق دیدگاه‌های متفاوتی دارند. طبیعی است که وقتی در یک مجموعه با این میزان تنوع دیدگاه روبه‌رو می‌شوید، روی دیدگاه شما نیز تاثیر می‌گذارد و عمیق‌تر می‌شوید. به‌عنوان مثال، وقتی رمان می‌خوانید، در سراسر رمان با یک شخصیت اصلی روبه‌رو هستید که نویسنده به ما کمک می‌کند از زاویه دید یک نفر به دنیا نگاهی دوباره داشته باشید اما اگر در یک کتاب ۲۵۵ روایت از یک موضوع داشته باشید، به طور قطع بدون استفاده برای نمایشنامه، به این باور می‌رسید که دنیای آدم‌ها بسیار متنوع است و این جهان‌بینی ما را گسترش می‌دهد و چشم ما را نسبت به حقایق پیرامون بازتر می‌کند. به‌نظرم حتی یک زن خانه‌دار، پزشک، مکانیک، معلم یا دانش‌آموز می‌توانند این روایت‌ها را بخوانند. بنابراین هر انسان بالغی می‌تواند این کتاب را بخواند و جذابیتش به این است که با ۲۵۵ نگاه مختلف در زندگی آشنا می‌شود.

> **ویژگی مشترک تمام این روایت‌ها این است که از زندگی افراد پیرامون ما مثل همکار، خواهر، برادر و همسایه‌های ما شکل گرفته‌اند و به همین دلیل مفهوم مقاومت را بسیار گسترده می‌کنند**

**با توجه به تغییر فضای رسانه‌ای و رشد شبکه‌های اجتماعی، به نظر شما روایت جنگ و مقاومت چگونه باید بازآفرینی شود تا صرفا به تکرار ادبیات گذشته محدود نماند؟**

با توجه به این‌که دیگر فضای تک‌روایتی در جامعه حاکم نیست، به اجبار باید از نگاه‌های تکراری و یکسویه فاصله بگیرید. چون دیگر خواننده نخواهد داشت. اگر این تکرار و نگاه یکسویه به تئاتر و سینما تسری پیدا کند، آثار دیده نمی‌شود و ماحصل آن را در کتاب‌ها یا آثار سینما و تئاتر می‌بینیم. اگر دنبال مخاطبان فراگیر با وجود رقیب‌های جدید در شبکه‌های اجتماعی باشیم، راهی جز تنوع‌بخشی به آثار نداریم. چون هرکدام از روایت‌های این کتاب مربوط به یک قشر جامعه در سنین، شغل‌ها و صنوف مختلف است و تنوع دارد. فکر می‌کنم این کتاب به‌اندازه خودش، به بازآفرینی فضای رسانه‌ای کمک می‌کند و توقع کسی که نوشته‌ای را درباره جنگ اخیر می‌خواند و به دنبال روایت‌های جدید است برطرف می‌کند.

**امروز هوش مصنوعی امکان بازسازی صحنه‌ها، چهره‌ها و حتی تولید روایت‌های تاریخی را فراهم کرده است. از نظر شما استفاده از این فناوری در بازنمایی جنگ و مقاومت چه فرصت‌ها و چه خطرهایی دارد؟**

هوش مصنوعی بخشی از تکنولوژی است که در فیلم یا تئاتر از آن استفاده می‌شود و گریزی از آن نیست و اجتناب‌ناپذیر است و باید بیشتر از آن بدانیم و یاد بگیریم. به‌نظرم هوش مصنوعی خطر چندانی ندارد. به‌طور معمول با ورود هر نوع تکنولوژی ترسی نسبت به خطرات آن حاکم می‌شود اما در نهایت باید آن را بپذیریم و به نحو درست از آن استفاده کنیم. هوش مصنوعی نیز مانند هر ابزار دیگری می‌تواند جنبه استفاده مثبت و منفی داشته باشد. بنابراین نباید نگران باشیم و مانع‌تراشی نکنیم.

**اگر بخواهید از میان ۲۵۵ روایت، تنها یک روایت را به مخاطبی که هیچ شناختی از کتاب ندارد معرفی کنید، کدام روایت را انتخاب می‌کنید و چرا؟**

به‌نظرم هیچ یک از روایت‌ها بر دیگری برتری ندارد. ممکن است تنها علاقه‌ام نسبت به بعضی روایت‌ها بیشتر باشد. چون به‌عنوان نمایشنامه‌نویس و فیلمنامه‌نویس فکر می‌کنم ظرفیت بیشتری دارد و در ذهن خودم آن را کنار گذاشتم تا در اولین فرصت آن را به فیلمنامه و نمایشنامه تبدیل کنم. این کاری است که روی چند روایت کتاب انجام می‌دهم اما یک اثر ادبی نیست که بگوییم کیفیت بیشتری دارد یا تکنیکی‌تر است. اینها اتفاقاتی است که در زندگی آدم‌های مختلف افتاده و هر اتفاقی در زندگی هرکس برایش ارزشمند است. بنابراین به این دلیل که نمی‌توانیم انسانی را نسبت به دیگری برتر به حساب آوریم، روایت‌ها از این جهت در یک سطح قرار می‌گیرند. پس انتخاب‌هایم شخصی است.

**به نظر شما مرز میان «روایت تاریخی» و «روایت ادبی» در چنین آثاری کجاست و نویسنده تا چه اندازه می‌تواند برای تاثیرگذاری بیشتر، از عناصر ادبی استفاده کند؟**

همان طور که گفتم روایت‌های جمع‌آوری شده در این کتاب واقعی و تاریخی است اما طبیعی است که نویسندگان و نمایشنامه‌نویسان آن را باید به یک روایت ادبی در شاخه نمایشنامه تبدیل کنند. یعنی تخیل‌شان را به داستان اضافه کنند تا شاهد یک اثر ادبی یا هنری باشیم. خوشبختانه به دلیل این که کتاب شامل روایت‌های افراد مختلف است و هیچ‌کدام مرجعیت تاریخی ندارند، نگران این نیستیم که کسی حرفی از تحریف تاریخ بزند. چون همواره وقتی اقتباسی از شخصیت‌ها یا تاریخ کشور داریم، نگران مقایسه آن با تاریخ واقعی هستیم و ممکن است اعتراض کنند که چرا تاریخ را دستکاری یا تحریف کردید اما اینجا چون شخصیت‌ها شناخته شده نیستند و تنها دستمایه اولیه خلق یک اثرند، نویسندگان با آزادی و آرامش کامل می‌توانند روایت ادبی خودشان را از روایت تاریخی داشته باشند و دست‌شان کامل برای استفاده از آرایه‌های ادبی و شگردهای نمایشنامه‌نویسی و فیلمنامه‌نویسی باز است.

**بعد از نگارش این کتاب، تعریف شخصی شما از «مقاومت» چه تغییری کرده است؟**

پس از خواندن و نگارش این روایت‌ها، مثل کسی که ۲۵۵ روایت از موضوع عدالت، عشق و جنگ خوانده است، به‌طور قطع دیدگاه شخصی من هم تغییر می‌کند و فکر می‌کنم این یکی از دستاوردهایی است که این کتاب می‌تواند داشته باشد.

---

**یادداشت**

حجت‌الاسلام رضا محمدی شاهرودی | کارشناس و پژوهشگر تاریخ اسلام

## رد پای امام موعود در دل تاریخ

ادعا شده شیعیان هنگام شهادت امام حسن عسکری(ع) در مسأله امام پس از ایشان سرگردان بودند؛ ادعایی که از سوی شبکه‌های وهابی تکرار می‌شود. تا آنجا که برخلاف واقع مدعی شده‌اند امام زمان(عج) ساخته شیعیان آن دوره بوده.

نکته نخست آن‌که هر علمی متد خاص خود را دارد. این ادعا از جنبه تاریخی باید با روش علم تاریخ بررسی شود. نقل‌های معتبر درباره وجود و حیات امام زمان(عج) تنها یکی دو روایت نیست که بتوان آنها را ساخته شیعیان دانست و منابع این گزارش‌ها نیز محدود به یکی دو منبع نمی‌شود. حتی ابن عربی و... در تایید وجود امام زمان مطالبی نقل کرده‌اند.

اگر کسی بخواهد عالمانه و خردمندانه به مسأله بنگرد، باید تاریخ را با متد دانش تاریخ بررسی کند، اسناد را ببیند و اعتبار آنها را بسنجد که آیا این اسناد معتبرند یا نه و براساس مبانی اسنادی این ادعا که امام زمان(عج) وجود دارد و زنده است واقعیت دارد یا خیر. راه بررسی تاریخی همین است.

نکته دوم آن‌که این سرگردانی پراکنده و جزئی اگر بعضا گزارش شده، به‌خاطر خفقانی بوده که از سوی حکام، از مدت‌ها قبل بر خاندان پیامبر(ص) حاکم بود و اختصاص به دوران امام عسکری(ع) و بعد از ایشان نداشت. پس از شهادت امام صادق(ع) چنین وضعی وجود داشت؛ تا آنجا که حتی نزدیک‌ترین شاگردان آن حضرت نمی‌دانستند پس از شهادت ایشان امام‌شان چه کسی است.

برای نمونه مؤمن الطاق و هشام بن حکم از برجسته‌ترین شاگردان امام صادق(ع) به مدینه آمدند و شنیدند عبدالله افطح امام شماست. نزد او رفتند و سوالی درباره زکات پرسیدند اما دیدند چیزی نمی‌داند. در کوچه‌های مدینه سرگردان بودند و می‌گفتند چه کنیم؟ سراغ یهودیان برویم یا مرجئه، اشاعره یا معتزله؟ در کوچه‌های مدینه سرگردان بودند تا این‌که پیرمردی از دور به آنها اشاره کرد. گمان کردند مامور منصور دوانیقی است و می‌خواهد آنها را اعدام کند. یکی از آن دو به‌سوی پیرمرد رفت تا هر دو کشته نشوند اما پیرمرد آنها را به خانه امام کاظم(ع) برد. امام از پشت در، بی‌مقدمه فرمود: نه سراغ مرجئه بروید نه دیگران. باید فقط به اینجا بیایید. تازه اینها اصحاب خاص امام صادق(ع) بودند. بنابراین چنین خفقان و محدودیتی تنها در دوران امام عسکری(ع) وجود نداشته. البته امام رضا(ع) در این میان وضع متفاوتی داشتند و در دوره خودشان با صراحت می‌فرمودند من امامم. به ایشان هشدار دادند از شمشیر هارون خون می‌چکد. امام فرمود: مگر ابوجهل توانست با پیامبر کاری کند؟ هارون نیز در برابر من هیچ کاری نمی‌تواند بکند. بنابراین محدودیت، خفقان، تحت نظر بودن و سلب امنیت مسأله‌ای مختص امام عسکری(ع) نبود که به سبب آن شیعیان پس از ایشان دچار سرگردانی شده باشند. مطلب بعدی این است که بایستی تاریخ را بررسی کنیم؛ اسناد مربوط به کیفیت تولد امام زمان(عج) و کسانی که ایشان را دیده‌اند. از خود شهر قم افرادی بودند که امام عسکری، امام زمان را به آنان نشان داده بود مانند احمد بن اسحاق قمی و دیگران. همچنین عمه امام (حکیمه خاتون) و افراد دیگر. اینها اسناد تاریخی است و باید مسأله را با روش علم تاریخ سنجید. هرگز بزرگان شیعه سرگردان نبودند. همان روش ارتباطی که در زمان امام صادق(ع) وجود داشت، در زمان امام عسکری(ع) نیز ادامه داشته؛ البته این ارتباط به‌صورت عام، گسترده و آشکار در جریان نبود. همان کسی که نایب خاص امام عسکری(ع) بود، یعنی عثمان بن سعید عمروی از مطمئن‌ترین و خالص‌ترین یاران امام یازدهم شیعیان و نماینده و نایب خاص ایشان، اتفاقا نخستین نماینده و نایب خاص امام زمان(عج) نیز بود. بنابراین عین همان روش دوران پیشین ادامه داشت و تفاوتی در اصل این ارتباط نبود.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

---

**مدرسه نقد جام جم**

## پایانی ناتمام برای فیلم آرام بخش

معصومه مرادی هما
هنرجوی «مدرسه نقد جام جم»

«آرام بخش» نخستین اثر بلندسعید زمانیان، به‌نویسندگی سعید زمانیان و پدرام امیری، درامی اجتماعی محسوب می‌شود که به گفته سازندگان، براساس داستانی واقعی ساخته شده است. این فیلم داستان آرام (الناز شاکردوست)، زن مجرد ۴۰ ساله‌ای را روایت می‌کند که قصد دارد سرپرستی نوزادی را بر عهده بگیرد اما در ادامه با مشکلات و مخالفت‌های خانواده‌اش روبه‌رو می‌شود. فیلم پیش از آن‌که یک اثر منسجم سینمایی باشد، مجموعه‌ای از رفتارها و تصمیمات متناقض است، که نه‌تنها به روایت کمک نمی‌کند بلکه آن را به اثری خنثی مبدل می‌سازد. فیلم قرار است قدرت استقلال فکری، عملی و اقتصادی زنان را به نمایش بگذارد و به موضوعاتی چون ازدواج بهنگام، فرزندآوری و حضانت بپردازد اما تناقض در روایت و اجرای سطحی با شکست مواجه می‌شود. در ابتدای فیلم، صلاحیت آرام برای سرپرستی نوزاد مورد تایید قرار می‌گیرد و در ادامه به دلایلی که از قبل هم وجود داشته این موضوع نقض و مجددا بدون هیچ تغییر وضعیتی دوباره تایید می‌شود اما این خلاف حقیقتی است که در جامعه با آن روبه‌رو هستیم. شرایط حضانت به‌خصوص برای زن مجرد بسیار دشوار و فرآیندی طولانی است. سینما عرصه روایت و شخصیت‌پردازی است، نه جایی برای دادن پیام به شکلی مستقیم و شعارگونه که هیچ‌گونه تاثیرگذاری و همذات‌پنداری را در مخاطب برنمی‌انگیزد. آرام بخش از ضعف شخصیت‌پردازی رنج می‌برد، امین (صابر ابر) آن‌گونه که ادعا می‌کند عاشق تمام‌عیار نیست، مدیر پرورشگاه (بهناز جعفری) آن‌گونه که وانمود می‌کند دغدغه آینده کودکان پرورشگاه را ندارد و به اجرای قانون تعهدی ندارد و کاملا هیجانی و شتاب‌زده عمل می‌کند. پزشکی که گواهی سلامت روان آرام را می‌دهد براساس احساس عمل می‌کند و نه براساس علم روان‌شناسی و وجدان. به جز الناز شاکردوست، بازی بقیه بازیگران در حد کلیشه‌ای از سایر بازی‌های گذشته خویش است. به‌عنوان مثال حسن پورشیرازی دقیقا تکرار «پیرپسر» و «زن و بچه» است؛ پدری دیکتاتوری با عقایدی پوسیده که به هر قیمتی خانواده را مجبور به اطاعت از خویش می‌کند. فیلم نه پایانی باز دارد و نه پایانی خوش، بلکه ناتمام رها می‌شود. نگاه پر از تردید و ترس آرام در سکانس آخر وقتی همه خانواده دور هم نشسته‌اند، این حس را به مخاطب القا می‌کند که تضمینی برای ادامه این آرامش وجود ندارد. درمجموع به نظر می‌رسد ایده آرام بخش می‌توانست به شکل بهتری ساخته و پرداخته شود.

آگهی تجدید مناقصه عمومی

موسسه نوین سازان وابسته به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در نظر دارد، طبق مشخصات مندرج در اسناد، مناقصه عمومی برگزار نماید.

- موضوع مناقصه: تهیه مصالح و اجرای MC و آسفالت (بیندر و توپکا) در پروژه تقاطع های غیر همسطح شهر کرمان واقع در بلوارهواتیروز، تقاطع الغدیر ۲ (تقاطع شهداء خلبان) و تقاطع سه راه سیلو (تقاطع شهدای اقتدار)
- پیمانکاران واجد شرایط می‌توانند ضمن واریز مبلغ ۱۰ میلیون ریال به حساب ۵۱۵۱۷۱۸۲۵۰۰۰۵ بانک سپه به نام موسسه نوین سازان نسبت به خرید و دریافت اسناد مناقصه به آدرس: کرمان بلوار شهید ابومهدی المهندس، بعد از ایستگاه راه‌آهن، موسسه نوین سازان، مراجعه نمایند.
- ۰۹۱۲۰۶۷۶۰۷۵ آقای مهندس بادره
- مهلت تحویل پیشنهادها: تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴
- ضمانت نامه جهت شرکت در مناقصه: مبلغ ۲۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
- شرایط شرکت کنندگان جهت دریافت اسناد و پاکات:
- سابقه کار مرتبط و اخذ حداقل نمره پیش ارزیابی جهت دریافت اسناد
- داشتن توانایی مالی جهت اجرای موضوع مناقصه

هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی مزایده عمومی
فروش ۱۱،۰۰۰ تن آهن اسفنجی
شماره GI / 05 / A100-138

شرکت توسعه و تجارت گل گهر

شرکت توسعه و تجارت گل گهر در نظر دارد مقدار ۱۱،۰۰۰ تن آهن اسفنجی تولیدی شرکت های منطقه گل گهر از طریق مزایده عمومی به صورت EXW با شرایط تسویه نقدی و اعتباری به‌فروش برساند.

متقاضیان از روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده با ارسال معرفی‌نامه معتبر در قالب PDF با ذکر شماره تماس و ایمیل به آدرس Commercial@golgohar-id.com و شماره تماس ۰۹۰۵۷۲۴۹۹۶۳ جهت دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند. مدت دریافت پیشنهادات تا ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ و تاریخ بازگشایی پاکت پیشنهادات مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ می‌باشد.
(تحویل پیشنهادات و اسناد به مدیریت حقوقی و قراردادها) جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت شرکت توسعه و تجارت گل گهر به آدرس ذیل مراجعه فرمایید.
www.golgohar-id.com
شماره تماس ۸۷۷۰۰۵۱۹-۰۳۴ داخلی ۵۱۳